

میر سید علی همدانی و علامه اقبال لاهوری

میر سید علی همدانی (۷۱۴ - ۷۸۶ ه = ۱۲۱۳ - ۱۳۸۴ م) یک نابغه ایرانی بوده و مطالعه زندگانی و فعالیت‌های او بس مفید و پرازش است. سید در علوم صوری و معنوی کامل بود و در میان صوفیه ایران مقام شامخ داشت.

مساعی او در گسترش و توسعه اسلام و تعلیمات اسلامی در مولد او همدان و سپس در ختلان (= کولاب یا کلاب فعلی در تاجیکستان شوروی) و مخصوصاً در کشمیر با ارزش و شایان ستایش است. سید را بعنوان «رهبر بزرگ کشمیر» و «حواری کشمیر» معرفی میکنند. وی از سادات حسینی و علویان همدان بود. از القاب معروف او در ایران «امیر کبیر» و «علی ثانی» و در شبه قاره «شاه همدان» میباشد. او از دوازده سالگی وارد مسلک سلوک و عرفان شد و بگروه «کبرویه» منسوب بود که شاخی است از سلسله سهروردیه (۱)

میگویند آثار سید بالغ بر ۱۷۰ مجلد کتب و رسائل میباشد که در عربی و فارسی هر دو نوشته است (۲) ولی فعلاً در حدود دو ثلث این تعداد در صورت نسخ خطی متعدد در کتابخانه های بزرگ دنیا موجود است و شاید یک ثلث بقیه آثار او از بین رفته باشد. سید شاعر هم بوده و علاوه بر چهل غزل شیوا در آثار منشور خود هم اشعار زیاد نوشته است. از آثار سید در حدود دوازده کتاب و رسائل بچاپ

(۱) دائرة المعارف اسلامی (انگلیسی) مجلد اول ص ۳۹۲

(۲) تجایف الابرار یا تاریخ کبیر مؤلفه مرحوم الحاج مسکین امر لئسری ص.

رسیده است (۱) و مورد علاقه ارباب دل است. بزرگترین و مهم‌ترین اثر سید «ذخیره الملوك» میباشد که در لاهور چاپ شده است. این کتاب در دوره امپراتوران مغول هند و پاکستان (۱۵۲۶ - ۱۸۵۷ م) مورد علاقه بسیار بوده است چون دارای موضوع سیاست مدن و اخلاقیات (مثل اخلاق ناصری و اخلاق جلالی) و نصائح پادشاهان و امراست. این کتاب بزبان‌های اردو و ترکی ولاتینی و فرانسه هم ترجمه شده است (۲) و دانشمند محترم استاد علی اصغر حکمت مقاله‌ی مفصل و جامعی درباره‌ی این کتاب منتشر کرده اند (۳).

علامه محمد اقبال لاهوری، شاعر شهر پارسی گوی پاکستان (۱۸۷۷ - ۱۹۳۸ م) در اثر فیلسوفانه و فکر انگیز خود که موسوم به «جاوید نامه» است (۴) ذکر با برکت حضرت میر سید علی همدانی کرده و نسبت با او ابراز عقیدت و ارادت نموده و درین ضمن خدمت و فعالیت‌های عالیه سید را (مخصوصاً در کشمیر که مرز بوم نیاکان اقبال بود) (۵) با اشارات بلیغ و رسا بیان کرده است. همینطور در دوسه پرسش‌های خود، علامه چند رشته از افکار و آرای حضرت سید را هم مطرح ساخته است و بنده درین مختصر به تحشیه و توضیح اشارات اقبال میپردازم. میدانیم که «جاوید نامه» مزبور سفر روحانی افلاکی اقبال است و درین سفر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی (۶۰۶ - ۶۷۲ هـ) پیرو رهنما و رهبر شاعر است. بعد از مشاهدات گوناگون آسمانها و عوالم علوی، «پیرو مرید»

(۱) برای اسامی این رسائل رجوع کنید به «گنجینه توحید» چاپ تهران ۱۳۳۷ ش ص ج - د قسمت دوم.

(۲) رجوع کنید: کشمیر (انگلیسی) مجلد اول (مؤلفه دکتر صوفی چاپ دانشگاه پنجاب ۱۹۴۹ م) ص ۹۰ و دفتر کتا بخانه ایاصوفیا (از: ابوالمسعود) ص ۱۷۲.

(۳) مجله «ینما» شماره - ۶ سال ۱۳۳۰ ش (ص ۲۴۱ تا ۲۵۰) -

(۴) جاوید نامه ۱۹۴۷ م لاهور ص ۱۸۴ - ۱۹۲ (و کلیات اقبال چاپ تهران ص ۳۵۷ - ۳۶۲)

(۵) اقبال فرموده است تنم گلی زخیابان جنت کشمیر دل از حریم حجاز و نواز شیراز است (کلیات ص ۲۵۵)

«بماورای افلاک» میرسند و سپس بجنّت الفردوس حرکت مینمایند . در همین مقام برین «زیارت امیر کبیر حضرت میرسیدعلی همدانی و سید طاهر غنی کشمیری (۱) اتفاق میافتد. این غنی (که شاید او را توانا ترین شاعر فارسی گوی کشمیر میتوان معرفی نمود) یکی از ارادتمندان مخلص سیدعلی بوده (م). در حدود ۱۰۷۷ - ۱۰۷۹ ه) و نیاکان او در معیت سید از ترکستان بکشمیر مهاجرت کرده بودند این شاعر درویش صفت بود و اقبال در «پیام مشرق» حکایت جالب راجع باو نوشته است. خلاصه آن اینکه چون غنی در منزل بود ، در منزل را می بست و چون از منزل بیرون میرفت ، در منزل را بکلی باز می گذاشت . میگفت که درین منزل بجز غنی چیزی نگهداشتنی نیست
چو آن محفل افروز در خانه نیست

تهی تر ازین هیچ کاشانه نیست (۲)
پس مناسبتر بوده که این نوع درویش در صحبت درویش بزرگ همدانی (سیدعلی) باشد و اقبال او را همچنان نشان داده است .
اکنون ببینید که شاعر (بزبان مولانا بلخی) شخصیت و فعالیت های سیدعلی را چطور معرفی میکند .

گفت رومی : «آنچه می آید نگر
دل مده با آنچه بگذشت ای پسر
شاعر رنگین نوا طاهر غنی
فقر او باطن غنی ظاهر غنی
نغمه ی می خواند آن مست مدام
در حضور سید والا مقام
سید السادات ، سالار عجم
دست او معمار تقدیر امم
تا غزالی درس الله هو گرفت
ذکر و فکر از دودمان او گرفت

(۱) عبارت اقبال : کلیات ص ۳۵۷

(۲) پیام مشرق لاهور ۱۹۴۸ م ص ۱۶۰ (کلیات ص ۲۴۰) .

سید آن کشور مینو نظیر

میر و درویش و سلاطین را مشیر

خطه را آن شاه دریا آستین

داد علم و صنعت و تهذیب و دین

آفرید آن مرد ایران صغیر با هنرهای غریب و دلبذیر

یک نگاه او گشاید صدگره خیز و تیرش را بدل راهی بده (۱)

سیدعلی بعد از نیمه اول قرن هشتم هجری از مولد خود همدان، بختلان

مزبور مهاجرت فرمود و آنجا در محیط موافق بتبلیغ و توسعه اسلام مساعی پر

موفقیت بعمل آورد. سید آنجادهی خریده و مسجد و مدرسه اسلامی بنا نمود و سپس

همه اینها را وقف فی سبیل الله فرمود. در ۷۷۴ هـ اتفاق ملاقات با امیر تیمور لنگ

(۷۳۶ - ۸۰۷ هـ) افتاد و این امیر از نوائج و تلخاب سخنان سید رنجید (۲)

و در غضب دستور داد که همه سادات خانواده سیدعلی از قلمرو او خارج شوند

و الا بقتل می‌رسند. پس سید در همان سال بکشمیر (با ۷۰۰ سادات) مهاجرت

نمود.

سید رفقای خود را در سراسر کشمیر بصورت منظم مرتب ساخت و بتبلیغ

دیانت اسلام و اصلاح اخلاق مردم پرداخت. ضمناً عرض شود که سید علی در

دوران مسافرت‌های طولانی خود (۷۳۳ - ۷۵۳ هـ) در سال ۷۴۰ هـ اوضاع

وخیم کشمیر را مشاهده کرده بود. (۳)

سیدعلی موفق‌ترین مبلغین خطه کشمیر می‌باشد و تنها بردست اوسی وهفت (۴)

هزار کفار اسلام را پذیرفتند. قبل از ورود او بکشمیر دیانت اسلام آنجا سر و سامانی

نداشت. اسلام در آن خطه بدین شکفت انگیزی رسید. یعنی در ربع اول قرن

۱ - کلیات ص ۳۵۸

۲ - نزهة الخواطر... جلد ۲ ص ۸۷

۳ - رساله «مستورات» (منقبت الجواهر). خطی که در دانشگاه تهران

(کتابخانه مرکزی) نسخه عکس از دفتر هند، لندن موجود است (در مناقب سید

علی)

۴ - آب کوثر (ورود) از دکتر اکرام ص ۳۷۷

هشتم هجری. اولین نقوش اسلام را در آن خطه سید عبدالرحمن بلبل شاه ترکستانی (م - ۷۲۷ هـ) صورت بسته بود و در حدود ده هزار نفوس را بخلقه اسلام در آورده بود (۱) و بعد از او تاورود سید علی (مدت ۵۰ ساله)؛ در دوره هرج و مرج دین اسلام پیشرفت شایانی نکرده بود.

سیدعلی يك واعظ و مبلغ معمولی نبود. اثر و نفوذ او نزد پادشاهان و امرا هم خیلی زیاد بود و همگی برای او احترام زیاد قائل بودند. از کتب و رسائل او و بویژه از «مکتوبات» او معلوم می شود که مقام او در نظر سلاطین بسیار عالی و ارفع بوده است (البته امیر تیمور نتوانست که قدرش را بشناسد). سلاطین معاصر او در کشمیر (سلطان شهاب الدین ۷۵۵ - ۷۷۵ هـ و قطب الدین ۷۷۵ - ۷۹۵ هـ) مرید او بودند و بنا بر توصیه و سفارش سید در امور بهبود مردم و تأسیس مدارس و خانقاهها و «لنگرها» و سرپرستی صنایع سعی زیاد بخرج دادند. سلطان شهاب الدین بدستور سید با پادشاه «دی هند» جنگ خود را خاتمه داد و صلح نمود و یکی از دو زنان خود را (که خلاف اسلام «اجتماع خواهران حقیقی» کرده بود) طلاق داد.

سیدعلی در کشمیر «تأسیس کتابخانه» نمود و زبان فارسی و عربی را بجای زبان سانسکریت و کشمیری رواج داد تهذیب و تمدن اسلامی و ایرانی جانشین تهذیب هندو گردید.

الغرض این خطه واقعا مصداق «ایران صغیر» گردید. علت لقب «ایران صغیر» برای کشمیر از این سبب است که طبق اوضاع جغرافیا، کشمیر با قسمت های سرسبز شمال مغرب ایران خیلی شباهت دارد. در حسن اللسانی هم هر دو معروف و مشهور می باشند و زبان ایرانی (فارسی) هم در خطه کشمیر پیشرفت فوق العاده کرده است چنانکه تعداد شمه های فارسی زبان کشمیر هریک از ایالت های دیگر شبه قاره زیاد می باشد (مثلا حیدرآباد دکن، دهلی و لاهور، و پیشاور اگرچه مراکز مهم فارسی بودند. ولی شمه های فارسی گوی کشمیر از هریک از این مراکز زیاد می باشند). (۲)

۱ - بلبل شاه از مفتی شاه سعادت چاپ سری نگر.

۲ - مجله هلال شماره ۳ سال ۱۳۳۳ ش (کراچی) ص ۴۰ (مقاله دکتر عرفانی)

ضمناً اقبال در توصیف و تمجید خانواده سیدعلی هم اشاره کرده است و بصیرت درونی و عرفان مشربی این دو دمان سادات را ستوده است. خانواده‌ای که افراش موجب رهبری امام حجة الاسلام محمد غزالی طوسی (۴۵۰ - ۵۰۵ هـ) شدند و الاآن نایفه دوران در تشکک و تفلسف می ماند و بودائی عرفان نمی گراید. ظاهراً اشاره شاعر راجع بملاقات امام غزالی و سیدمرتضی علوی حسین ذوالشرفین ابوالعالی محمد (م - ۴۸۰ هـ) باشد که در غزالی نامه ذکر شده است. (۱)

بعد از اظهار ارادت و عقیدت و بیان خدمات جلیله او اقبال از سید علی پرسش‌ها می کند و در جواب آن پرسش‌ها چند تا مسائل مهم را (بسبک جاوید نامه خود) مطرح می سازد.

اولین پرسش او راجع باویزش و نزاع خیر و شر می باشد . خدا تعالی مظهر شر شیطان را آفریده است که همواره در پی گمراهی ماست و بازهم از ما تقاضاست که از بدی و شرور بر حذر باشیم و با اعمال نیک و پسندیده پردازیم . آخر غایت و نهایت این روش چیست؟

از تو پرسم این فسون سازی که چه؟

با قمار بدنشین بازی که چه ؟

(و چند سال بعد در ارمنان حجاز) شاعر این نوع سؤال را از خود خداوند

پرسیده :

جهان از خود برون آورده کیست ؟

جمالش جلوه بی پرده کیست ؟

مرا گوئی که از شیطان حذر کن

بگو بامن که او پرورده کیست؟ (۲)

جناب سید جواب می فرماید که مرد خود آگاه از چیزهای ضرر آمیز هم سود و منفعتی بر میدارد. وجود شیطان و قوای شیطانی هم ازین قبیل است. اگر با شیطان و بنای شیطان « مبارزه و نبرد پردازیم و قوتهای خوابیده خود را

۱ - غزالی نامه (استاد جلال همائی) ص ۱۲۵ بیعد (چاپ تهران)

۲ - کلیات ص ۴۳۳

بیدارمی‌کنی و باصرار براه راست بروی این سودتست و الامصاحبت و معاشرت شیطان موجب خسران و تقابن است .
تیز تر شو تا فند ضرب تو سخت

ورنه باشی در دو گیتی تیره بخت (۱)

اقبال در آثار خود (چه در فارسی و چه در اردو) راجع به «شیطان» و قوای او خیلی زیاد نوشته و مطلب گذشته را (که نبرد باین «دشمن ازلی» موجب تقویت قوای عملی و ایمانی است) دره منشور مختلف مطرح ساخته است. در مهم‌ترین عقاید او عقیده و فلسفه «خودی» می‌باشد و خودی از مبارزه و مجاهده قوت می‌پذیرد .

هر که دانای مقامات «خودی» است

فضل حق داند اگر دشمن قوی است

کشت انسان را عدو باشد سحاب

ممکناتش را بر انگیزد ز خواب

خویش را چون از «خودی» محکم کنی

تو اگر خواهی جهان بر هم کنی (۲)

مطالب و موضوعات مربوط به مبارزه و مجاهده بشیاطین و قوای آنها را شاعر در آثار خود بنام «پیام مشرق» و همین «جاویدنامه» مذکور و بال جبریل (در اردو) «وارمنان حجاز» طوری نوشته است که واقعاً خواندنی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی